

نوجوانان در میدان مین آسیب‌های اجتماعی

آسیب‌های اجتماعی پشت‌میز نیمکت مدارس می‌نشینند، با دانش‌آموزان در حیات مدارس و زنگ‌های تفریح این طرف و آن طرف می‌دوند، در کنار آبخوری مدارس با آنها آب می‌نوشند...



آسیب‌های اجتماعی پشت‌میز نیمکت مدارس می‌نشینند، با دانش‌آموزان در حیات مدارس و زنگ‌های تفریح این طرف و آن طرف می‌دوند، در کنار آبخوری مدارس با آنها آب می‌نوشند یا از بوفه‌های مدارس خرید می‌کنند، در خارج از مدرسه نیز در کوچه، خیابان یا پارک با نوجوانان و کودکان پرسه می‌زنند باید پذیرفت آسیب‌های اجتماعی تا این حد به نوجوانان نزدیک شده‌اند، یافته‌های دفتر مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی آموزش و پرورش نیز گواهی است بر این ادعا چون برخی عوامل مخاطره‌آمیز و تهدیدکننده دانش‌آموزان در مدارس را رفتارهای پرخطر، اختلال‌های بهداشت روان، اختلالات خانوادگی و انحرافات اخلاقی تشکیل می‌دهد.

پیشگیری درحوزه آسیب‌های اجتماعی به فراموشی سپرده شده به همین خاطر سن ابتلا به این مسائل روندی نزولی را پشت سر می‌گذارد؛ روندی که این روزها قربانیان بیگانه‌ای مانند کودکان و نوجوانان را نیز هدف قرار داده است. اکنون شرایط به گونه‌ای است که نادر منصورکیایی، مدیرکل دفتر مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی وزارت آموزش و پرورش از رفتارهای پرخطر، اختلال‌های بهداشت روان، اختلالات خانوادگی، انحرافات اخلاقی، اختلالات تحصیلی، اختلالات فرهنگی و بزهکاری‌ها به‌عنوان هفت عامل مخاطره‌آمیز و تهدیدکننده دانش‌آموزان در مدارس یاد می‌کند. هرچند آن طور که فارس گزارش داده آموزش و پرورش برای رفع این آسیب‌ها تمرکز خود را بر پیشگیری از رفتارهای پرخطر قرار داده، اما باید تاکید کرد کارشناسان بر این باورند تا زمانی که به شکل جدی برای حل این مسائل قدمی بر داشته نشود و نظام آموزشی کشور با هدف بر طرف شدن آنها تغییر نکند، نباید امیدی به حل این مسائل داشت.

جای خالی برنامه‌ریزی جامع

دکتر روزبه کردونی، مدیرکل آسیب‌های اجتماعی وزارت رفاه باور دارد که پذیرش وجود این مخاطرات و معرفی آنها به مردم یک گام مثبت رو به جلوست که جای قدردانی دارد، اما کافی نیست؛ چون برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی باید از مرحله شناسایی عوامل مخاطره‌آمیز و حساسیت‌زایی درباره آنها رد شویم و به مرحله ارائه راهکار و تعیین سیاست‌های مدون برای مواجهه با تهدیدها برسیم. این پژوهشگر حوزه آسیب‌های اجتماعی به ما می‌گوید: اکنون نوبت سیاست‌گذاری و تعیین نقش و مسئولیت برای مردم و سازمان‌ها و نهادهاست. ما برای مراقبت از دانش‌آموزان در برابر آسیب‌های اجتماعی به همکاری همه بخش‌های جامعه نیاز داریم و صرفاً با دستور و بخشنامه نمی‌شود آن را عملی کرد.

کردونی تاکید دارد که اگر قرار است آموزش‌های پیشگیرانه را در برابر عوامل تهدیدکننده دانش‌آموزان آغاز کنیم باید از سن بسیار پایین حتی پیش دبستانی ارائه اطلاعات قابل درک و کنترل شده را به کودکان آغاز کنیم. مدیرکل دفتر آسیب‌های اجتماعی وزارت رفاه برای اثبات اهمیت آموزش در سن پایین، آمارهایی از تحقیقات بین‌المللی رو می‌کند که نشان می‌دهد کودکانی که مهارت‌های زندگی و شیوه‌های مراقبت از خود در برابر آسیب‌های اجتماعی را می‌آموزند، 30 تا 40 درصد کمتر از همسن‌هایی که آموزش ندیده‌اند در بزرگسالی مرتکب رفتارهای پرخطر و بزه می‌شوند.

صورت مساله را پاک نکنیم

علیرضا کرمانی، جامعه‌شناس و پژوهشگر در گفت‌وگو با جام‌جم از مسائلی پرده برمی‌دارد که تاکنون در کشورمان جدی گرفته نشده به همین خاطر قربانیان زیادی گرفته است. او می‌گوید بسیاری از خانواده‌ها و نوجوانان به دلیل مصرف مواد مخدر یا رفتارهای جنسی دچار مشکل می‌شوند، اما هنوز راهکار و برنامه مشخصی برای پیشگیری از آنها ارائه نمی‌شود، چون این مسائل تابوی اجتماعی محسوب می‌شود.

نوجوانان توانا نمی‌شوند مگر...

در این بین نباید از یاد برد که دم زدن از مشکلاتی که نوجوانان دچار آن شده‌اند به تنهایی گرهی از کلاف سردرگم مسائل آنها باز نمی‌کند، به همین خاطر باید از نقاط ضعفی که سبب شده عوامل مخاطره‌آمیز زیادی این روزها نوجوانان را تهدید می‌کند نیز نام برد و دراین بین کارشناسان از نپرداختن به مهارت‌های اصلی زندگی به‌عنوان بزرگ‌ترین نقطه ضعف نظام آموزشی کشور یاد می‌کنند.

مهدی حاج‌اسماعیلی، مشاور خانواده با صراحت از این یاد می‌کند که پیشگیری‌های اولیه دراین حوزه به فراموشی سپرده شده است. او تاکید می‌کند: مساله عمده‌ای که در این بین وجود دارد و نسبت به آن غفلت شده، این است که آموزش و پرورش باید از دوران دبستان روی پرورش هوش هیجانی - اجتماعی کودکان سرمایه‌گذاری کند. آنچه آقای روان‌شناس از آن به عنوان هوش هیجانی - اجتماعی یاد می‌کند، در واقع مجموعه‌ای از مهارت‌هایی است که شخص با آموزش و فراگرفتن آنها می‌تواند در موقعیت‌های مختلف و هنگام مواجهه با هیجانات، مسائل را بدرستی مدیریت و حل کند.

این مهارت‌ها شامل ارتباطات اجتماعی، خودشناسی، کنترل خشم، کنترل استرس، حل مساله، اعتماد به نفس، تصمیم‌گیری، شادابی و واقع‌بینی است. حاج‌اسماعیلی عنوان می‌کند: بین فراگرفتن این مهارت‌های زندگی با سلامت روان و موفقیت نوجوانان رابطه مستقیمی وجود دارد؛ بنابراین آموزش و پرورش باید برای آموزش این مهارت‌ها به کودکان و نوجوانان رویکرد مناسبی در پیش بگیرد.

در این بین باید خاطرنشان کرد، همان طور که در مدارس به کودکان توانایی حل مسائل ریاضی ارائه می‌شود باید آنها را برای حل مسائلی که در زندگی وجود دارد نیز آماده کرد؛ زیرا علت این که برخی نوجوانان رفتارهای پرخطر از خود نشان می‌دهند چیزی نیست جز این که آنها روش حل مساله و کنترل خشم را فرا نگرفته‌اند. علاوه بر این سیستم نادرست آموزشی کشور سبب از بین رفتن اعتماد به نفس کودکان نیز می‌شود؛ چرا که این روزها بسیاری از مدارس به گونه‌ای مدیریت می‌شوند که در آنها رقابت حرف اول و آخر را می‌زند و پرداختن به مسائل زندگی در آنها به فراموشی سپرده شده، به همین خاطر کودکان زیادی اعتماد به نفس‌شان را از دست می‌دهند. بنابراین چنانچه عزم آموزش و پرورش برای نجات نوجوانان از این مسائل جدی است و نمی‌خواهند تلاش شان فقط به هشدار خلاصه شود، باید تغییر را از خود و نظام آموزش در کشور شروع کنند.

مهدی آیینی
جامعه